



# مفقودین

تراژدی خاموش



ICRC

Not for Sale

کمیته بین المللی صلیب سرخ  
International Committee of the Red Cross  
تهران، الهیه، خیابان شهید شریفی منش، بن بست آذر،  
جنب بیمارستان اختر، پلاک ۴  
تلفن: ۲۲۶۴۵۸۲۱-۴ / فکس: ۲۲۶۰۰۵۳۴  
وب سایت: [www.icrc.org](http://www.icrc.org)  
ایمیل: [teh\\_teheran@icrc.org](mailto:teh_teheran@icrc.org)  
© کمیته بین المللی صلیب سرخ  
عکس جلد: Dukas/Eyeda



ICRC

# مفقودین

## تراژدی خاموش

بسیاری، سال‌ها وقت و پس‌انداز یک عمرشان را برای یک جستجوی بی‌حاصل صرف می‌کنند. داستان‌ها دربارهٔ کسانی که خود را به عنوان وکیل جازده و از خانواده‌های ناامید در برابر کمکی که هیچوقت ارائه نمی‌کنند پول دریافت کرده‌اند بسیار شایع است.

درد صرفاً احساسی نیست؛ ممکن است از جنبهٔ مالی فلج‌کننده باشد. در بسیاری موارد این نان‌آور خانواده است که مفقود می‌شود. زنان و مادرانی که در حمایت از خانواده تنها می‌مانند اغلب با یک زندگی فقیرانه مواجهند. این موقعیت ممکن است از جنبهٔ دولتی نیز به یک کابوس شبیه باشد، از آنجا که بعضی کشورها سال‌ها صبر می‌کنند تا به طور رسمی یک شخص را متوفی یا غایب اعلام کنند. این وقفه ممکن است بی‌پایان به نظر آید چرا که خانواده‌ها امکان ادامهٔ زندگی، فروش اموال، ازدواج مجدد، یا حتی برگزاری مراسم عزاداری را ندارند.

برای رسیدگی به این مسئلهٔ بشردوستانه و کمک به خانواده‌ها در تعیین سرنوشت عزیزان‌شان کار کافی انجام نشده است.

از زمانی که انسان‌ها می‌جنگیدند، افراد نیز مفقود شده‌اند. آنها ممکن است قربانیان اعدام‌های دسته‌جمعی باشند که در گورهای بدون نشان، مانند بالکان، ریخته شده‌اند. آنها ممکن است اسیر یا ربوده شده باشند، مانند مردان جوان از کوچه و خیابان‌های سریلانکا. آنها ممکن است در خانه‌شان بازداشت شده و سپس در بازداشت مرده باشند یا بدون ارتباط در مکان‌های محرمانه نگهداری شوند. بعضی مواقع آنها غیرنظامیانی هستند که از جنگ فرار می‌کنند، یا کودکانی که از خانواده‌شان جدا شده‌اند، همانگونه که اغلب در کنگو اتفاق افتاده است. ممکن است سربازان در حین مبارزات کشته شوند و بقایای اجساد آنها به درستی مدیریت نشود، به عنوان مثال در جنگ اتیوپی و اریتره که گزارش‌هایی دال بر رها کردن اجساد در میدان نبرد برای سالیان سال وجود داشته است.

برای شخصی که مفقود می‌شود یک تراژدی اتفاق افتاده است، اما دیگر قربانیان خانواده‌هایی هستند که در برزخ معلق مانده، مطمئن نیستند که عزیزشان زنده است و با این حال نمی‌توانند برای او عزاداری کنند و در غیاب مدرکی، دائماً به واسطهٔ احتمال وجود یک معجزه (یک زندان مخفی، یک زندگی جدید در سرزمین بیگانه) زجر می‌کشند.





## حق قانونی دانستن

حق دانستن سرنوشت بستگان یکی از دغدغه‌های اصلی حقوق بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر بین‌المللی است و باید مورد احترام قرار گیرد. الزامات حقوقی در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی آنها، در کنار کنوانسیون بین‌المللی جدید برای حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری تصریح شده است. حقوق بین‌الملل واضح است: ناپدید کردن اشخاص غیرقانونی است، و خویشان نزدیک باید از دستگیری، زخمی شدن و فوت اقوام خود بدون وقفه مطلع شوند. چالش موجود، تضمین تصویب و اجرای چنین قواعدی توسط دولت‌ها است. ماریا ترزا داتلی، رئیس سرویس مشورتی حقوق بین‌المللی بشردوستانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اشاره دارد که «اگر همگان به حقوق بین‌المللی بشردوستانه احترام می‌گذاشتند، هیچ مفقودی در مخاصمات مسلحانه وجود نمی‌داشت».

«حتی اگر اسکلنتی پیدا کنم  
اهمیتی نمی‌دهم،  
من فقط پسر را می‌خواهم.»

نیمکت ایستگاه‌های اتوبوس. از میوه درختان می‌خوردم.

در سپتامبر آتش مبارزات بیشتر شد و من چاره‌ای نداشتم جز اینکه به تفلیس برگردم تا دخترم را برای رفتن به مدرسه آماده کنم. من موفق شدم که جایی را در یک هواپیمای پر ازدحام بگیرم. آن زمان همه سربازان دیگر من را می‌شناختند. آنها از من می‌پرسیدند: «پسر خوشگلت رو پیدا کردی؟»

قبل از آنکه همسرم هفت سال پیش فوت کند، در خواب و بیداری ناگهان فریاد زد: «پسر را می‌بینم، او زنده است.» من پرسیدم: «او کجاست؟» اما او نتوانست جوابی بدهد.»

گولیو هق هق کنان از تعریف می‌ایستد.

«او تنها بیست و دو سالش بود. خیلی مهربان بود، خیلی با استعداد بود. من همه پولم را خرج کردم، به دیدن فالگیرها در آذربایجان رفتم و هر دفعه آنها می‌گفتند که زنده است.»

«در ۲۰۰۳ به سوچی بازگشتم (منطقه‌ای میان آبخازیا و روسیه)، جایی که به دوست یکی از دوستان برای گشتن زندان‌ها پول دادم. به دخترم نگفتم چون هرگز اجازه نمی‌داد بروم. الان هدف اصلی من در زندگی این است که به تی سوکوروکا به پائین آن صخره بروم. حتی اگر اسکلنتی پیدا کنم اهمیتی نمی‌دهم، من فقط پسر را می‌خواهم.»

غم از دست دادن گولیو چهارده ساله است اما هنوز زخمش به تازگی همین دیروز است. در سراسر جهان، صدها هزار داستان مشابه او وجود دارند. این‌ها روایت‌های افرادی هستند که در مناطقی به دوری شمال و جنوب قفقاز، بالکان، نپال، سریلانکا، عراق، اندونزی، بیشتر آفریقا، و تقریباً در هر کشوری در آمریکای لاتین اعضای خانواده‌شان در جریان مخاصمات ناپدید شده‌اند.

در حومه شرقی تفلیس، گولیو اکیزاشویلی از بازدیدکنندگان در داخل اتاق خواب کوچکی که نقش اتاق پذیرایی او را هم ایفا می‌کند استقبال می‌کند. زمین لرزه سقف را روی سرش آوار می‌کند. او یک زن خانه‌دار پنجاه و هفت ساله سیاه‌پوش، با چشمانی آبی و موهای خاکستری است که مرتب از پشت بسته شده است. روی دیوار مقابل دسته‌ای از عکس‌های پسرش قرار دارد؛ جوانی خوش قامت با موهای مشکی موج‌دار و نگاهی مشتاق؛ که در بعضی از عکس‌ها جدی، و در حالت کلاسیک تصویر نشسته قرار دارد، در حالی که در بعضی دیگر در حال خودنمایی و انجام حرکات رزمی روی چمن است.

گولیو به یاد می‌آورد که چگونه جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۳ میان گرجستان و منطقه مخاصمه آبخازیا، پسرش را بدون بر جا گذاشتن ردی از زندگی‌اش بیرون کشیده است.

«پسر، بساریونی، ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۱ در تفلیس متولد شد. او یک مهندس پرواز بود. دانشجوی فوق‌العاده‌ای نبود ولی نقاشی و کاراته کار می‌کرد. خیلی قوی بود؛ کمر بند مشکی داشت.»

او می‌خواست به میدان نبرد برود. به من گفت که «باید برای کشورم بجنگم.» او چهارم ژوئیه ۱۹۹۳ به آبخازیا رفت. ۱۵ ژوئیه شنیدیم که بیشتر گردان آنها کشته شده‌اند و این که بساریونی با زانوی زخمی در بیمارستان بود. روز بعد من و شوهرم با هواپیما به دیدنش رفتیم. ما به بیمارستان رفتیم اما او دیگر آنجا نبود.

ما پول زیادی همراه نداشتم، پس به تفلیس برگشتم تا طلاهایم را بفروشم. بعد به آبخازیا برگشتم تا به دنبال او بگردم. همسرم به مبارزات پیوست در حالی که من با پای پیاده از روستایی به روستای دیگر می‌رفتم و عکس پسر را نشان می‌دادم و می‌پرسیدم که «او را دیده‌اید؟ او قد بلند و خیلی خوش سیماست» من میان اجساد که در جنگل بود گشتم. شایعه‌ای بود مبنی بر اینکه بعضی‌ها را در تی سوکوروکا از صخره به پائین انداخته‌اند. این تنها جایی بود که نتوانستم بروم. بعضی اوقات در یک اردوگاه نظامی می‌خوابیدم، و اوقات دیگر روی

## ضرورت اقدام

تا این اواخر جامعه جهانی عموماً مشکل اشخاص مفقودشده را نادیده می‌گرفت. پیر کراهن بول مدیر عملیات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ژنو می‌گوید: «برای مدت‌ها مردم کاملاً ناامیدانه به این موضوع نگاه می‌کردند.» اما بعد در دهه ۱۹۹۰ بالکان از درون متلاشی شد و بیش از ۲۰,۰۰۰ نفر مفقود شدند. هنگامی که خانواده‌ها با غضب واکنش نشان دادند، کارکنان بشردوستان با چیز جدیدی مواجه شدند. پاتریسیا دانزی، مشاور سیاسی کراهن بول، حضور در میدان در آن زمان را به یاد می‌آورد. «خانواده‌ها به ما فشار آوردند. آنها سازماندهی داشتند. می‌خواستند بدانند ما چه کار کردیم، و پیشرفت و نتایج دیدارهای ما چیست. آنها مقابل دفاتر ما راهپیمایی کردند تا مطمئن شوند ما این موضوع را فراموش نکرده‌ایم.»

«ما باید با واقعیت روبرو شویم»

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش‌های خود را دو چندان کرد تا در مقیاس جهانی به این نگرانی بپردازد، تا اثبات کند که می‌توان (و باید) کاری انجام داد. در مأموریت‌های خود در سراسر جهان هم اکنون ده‌ها هزار مورد را رسیدگی می‌کند. با این وجود غیرممکن است که بدانیم دقیقاً چند نفر در سراسر جهان مفقود هستند. سازمان، مفقودین را به عنوان کسانی که بواسطه مخاصمات، چه بین‌المللی یا داخلی، سرنوشت‌شان مشخص نیست تعریف می‌کند. آنها ممکن است نظامی یا غیرنظامی باشند؛ هر کسی که خانواده‌اش هیچ اطلاعی از سرنوشت یا موقعیت او ندارد.

عدم وجود اراده سیاسی میان‌انگاری که نقش مستقیم در این خصوص دارند و



کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در کنار دیگر سازمان‌های بشردوستانه، داشتن دسترسی به غیرنظامیان و بیماران، زخمیان یا اعضای دستگیر شده نیروها/ گروه‌های مسلح است که جانشان در خطر است. تیم‌های کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیازهای ناشی از خشونت را سنجیده و درباره رویدادهایی که منجر به مفقودشدن اشخاص شده‌اند یا هنوز ممکن است بشوند اطلاعات جمع‌آوری می‌کند. سپس، آنها با مقامات مربوطه تماس گرفته و اقداماتی که باید توسط آنها، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یا سازمان‌های دیگر اتخاذ شوند را بررسی می‌کنند.

بعضی وقت‌ها، کار اندکی می‌توان انجام داد یا هیچ کاری نمی‌شود کرد. این وضعیت فعلی در عراق است، جایی که برطبق دقیق‌ترین پیش‌بینی‌ها، صدها هزار نفر در پی سال‌ها جنگ (از جمله جنگ ایران و عراق، رژیم صدام حسین و مخاصمه فعلی) مفقود هستند. بناتریس مگواند روگو، رئیس عملیات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌گوید: «عراق یک موقعیت خاص است. از لحاظ امنیتی سخت‌ترین موقعیت است. زمان‌های دیگری نیز هست که ما فعالانه در خصوص مسئله مفقودین کار نکرده‌ایم، اما این زمان هرگز به درازا نکشیده است. ما باید با واقعیت روبرو شویم؛ هم اینک، جدای از حمایت از نهاد حقوقی با مقداری تجهیزات و آموزش، این کار تقریباً ناممکن است.»

فقدان همکاری از طرف‌هایی که می‌توانند برای اقدام متقاعدشان کنند اغلب پیشگیری و تصریح ناپدیدی در خصوص مخاصمات مسلحانه با خشونت‌های داخلی را به کاری پر زحمت تبدیل می‌کند. اطلاعات به عنوان سلاحی علیه دشمن یا معارضان مخفی نگاه داشته می‌شود. رهبرانی که قدرتشان بر پایه نفرت از اجتماعی دیگر است مانع از حل و فصل مسئله مفقودین می‌شوند تا کنترل خود را حفظ کنند، و در بسیاری موارد (به ویژه هنگامی که ناپدیدی ناشی از قتل عام یا حملات عمدی علیه غیرنظامیان است) رهبران و مقامات ممکن است از ارائه پاسخ ناتوان باشند یا چنین اراده‌ای نداشته باشند، چراکه آنها از پاسخگو بودن در این رابطه واهمه دارند.

طبق گفته‌های پیر کراهن بول از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، خط زمانی برای اقدام «از اولین لحظه مخاصمه» و با پیشگیری آغاز می‌شود. در یک جنگ بین‌المللی، در هر دو طرف مخاصمه باید دفاتری دائر شوند تا اطلاعات مربوط به اسرا، زندانیان یا متوفیان را تدوین کرده و برای بازگرداندن بقایا به وطن‌شان تلاش کنند. آسیب‌پذیرترین افراد (مانند کودکان در یتیم‌خانه‌ها، آوارگان) را می‌توان ثبت نمود. به سربازان توصیه می‌شود در تمامی زمان‌ها پلاک شناسایی‌شان را به گردن داشته باشند.

در ببحوجه مخاصمه، اولویت با یافتن افراد زنده و پیشگیری از مفقود شدن آنها است تا گشتن به دنبال‌هایی که به احتمال قریب به یقین کشته شده‌اند. هدف

## تعهد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

در سال ۲۰۰۲، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آغاز به مطالعه شیوه‌های بهتر برای کمک به افرادی که در نتیجه مخاصمه مسلحانه یا خشونت داخلی مفقود شده‌اند (و خانواده‌هایشان) نمود. هدف از این مطالعه، بازبینی رویکردهای پیشگیری از ناپدیدی، پردازش موارد و کمک به خانواده‌ها بود. متعاقباً، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر سر برنامه‌ای از روش‌های رایج توافق نمود و برای در اولویت قرار دادن این مسئله شروع به کار کرد.

در ۲۰۰۳، یک کنفرانس بین‌المللی برگزار شد که حدود ۱۲۰ شرکت‌کننده از نهادهای دولتی، سازمان‌های حقوق بشری و بشردوستانه، اعضای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، کارشناسان و خانواده‌های اشخاص مفقود شده را گرد هم آورد. در پی این کنفرانس، بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر دستور کار اقدام بشردوستانه که اهداف مشخصی برای دولت‌ها و برای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر معین می‌کرد را به تصویب رساند. در قلب آن، این فرض وجود دارد که خانواده‌ها حق دارند از سرنوشت بستگان مفقودشده‌شان اطلاع داشته باشند.

از آن هنگام، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به گسترش فعالیت‌های خود در رابطه با مفقودین و خانواده‌های آنها ادامه داده است. این فعالیت‌ها شامل شرکت در کمیته تهیه پیش‌نویس، که کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدی اجباری را نوشت و توسط مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶ تصویب شد می‌شود. کنوانسیون شامل اعلانیه‌ای می‌شود که بر اساس آن هیچ کس نباید مورد ناپدیدی اجباری قرار گیرد، که قربانیان شامل شخص مفقود شده و هرکسی که به عنوان پیامد مستقیم این اقدام آسیب دیده باشد می‌شود، که هر خانواده‌ای حق اطلاع از حقیقت را درباره شرایط ناپدیدی اجباری دارد و این که قربانیان حق بازگشت به میهن و جبران خسارت را دارند.

در سخنرانی امضای کنوانسیون در فوریه ۲۰۱۷، ریاست کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، یاکوب کلنبرگر، بر «اهمیت ایجاد یک چارچوب جزائی توسط کنوانسیون» و فوریت امضای دولت‌ها و تصویب آن در کمک به تبیین این روش تأکید کرد.

هنگامی که دغدغه‌های امنیتی شدت کمتری دارند، آمادگی سازمان‌های بشردوستانه و حقوق بشری اغلب منجر به کاهش شمار ناپدیدهای اجباری می‌شود. اگر شخصی مفقود شود، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر سیستمی برای درخواست‌های جستجو دارند که خانواده‌ها می‌توانند با ارائه اطلاعاتی همچون هویت شخص مورد نظر، شرایط مفقودی، شاهدان عینی، و جزئیات دیگر در دسترس از آن استفاده کنند.

کراهن بول توضیح می‌دهد، «ممکن است فردا صبح شما با دو اسم در لیست که توسط بستگان‌شان به عنوان مفقود گزارش شده‌اند به یک زندان بروید. به دفتر ثبت‌نگاهی بیندازید، آنها را بیابید، یک انطباق وجود دارد. شما خبری را برای خانواده‌ها می‌آورید. اکنون برای این شخص یک اثر حمایتی وجود دارد. از زمانی که آنها ثبت شوند، احتمال آن که اعدام شوند بسیار کاهش می‌یابد. در طول زمان احتمال بسیار کمتری وجود خواهد داشت که ناپدیدهای گسترده روی دهند.»

ساندرا بیداس، رئیس امور حمایتی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در نپال، جایی که این کمیساریا بزرگترین عملیات میدانی خود را در حال حاضر دارد موافق است که «اثر حضور میدانی بر پیشگیری از ناپدیدهای می‌تواند درخور توجه باشد. زمانی که آغاز به بازدید از پایگاه‌های نظامی کردیم دشوارتر شد، و بازداشت‌های بدون حق ارتباط نیز کوتاه‌تر شدند. این کار تا حدودی به پایان مفقودی‌ها در سال ۲۰۰۵ کمک نمود.»

« دقیقاً از زمانی که آنها ثبت می‌شوند، احتمال اعدام‌شان بسیار کاهش می‌یابد.»



## پیشگیری

- اقداماتی که از ناپدیدهای اشخاص پیشگیری می‌کند:
- احترام به و حمایت از غیرنظامیان، به علاوه بیماران، زخمیان یا اعضای دستگیر شدهٔ نیروها / گروه‌های مسلح؛
  - احترام به و حمایت از اشخاص محروم مانده از آزادی؛
  - اطمینان از آنکه اشخاص بتوانند پیام‌های خانوادگی رد و بدل کنند؛
  - شناسایی و تعیین سرنوشت اشخاصی که به واسطهٔ مخاصمهٔ مسلحانه یا خشونت داخلی به عنوان مفقود گزارش شده‌اند؛
  - مدیریت درست اطلاعات.



نام آنهایی که مفقود شده‌اند وارد پایگاه داده بزرگتری می‌شد. سوابق، توسط کارکنان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در سراسر کشور خانه به خانه می‌گشتند و با خانواده‌ها گفتگو می‌کردند تا اطلاعات بدست آورند و آنها را با منابع مختلف تطبیق دهند جمع‌آوری می‌شد. فوریه گذشته، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ یک لیست از ۸۱۲ شخص مفقود شده را در یک روزنامه نیالی و در وبسایت خود منتشر کرد که خانواده‌های دیگر را تشویق کرد تا با پیش‌گذارند. کوبوز می‌گوید: «بسیاری روزنامه را به عنوان یک خاطره نگه داشته‌اند. بسیاری از خانواده‌ها پیش‌ما می‌آمدند تا تشکر کنند، تشکر برای تصدیق آن. این مدرک صحت آن است.»

و هنوز هیچ سازمانی توانسته همزمان همه جا باشد. یک موافقتنامه صلح نوامبر گذشته در نپال به امضاء رسید، اما امروز نزدیک به یک هزار نفر کماکان مفقود هستند. تقریباً یک چهارم در منطقه فقیرنشین حومه باردیا، در مرکز غربی نپال در مرز با هند ناپدید شدند. بیشتر این قربانیان اعضای طبقات پائین گروه نژادی تارو از بومیان منطقه بودند. هنگامی که مخاصمات فروکش کرد، تعداد زیادی از خانواده‌ها انجمنی را برای مفقودین ایجاد کردند. با کمک کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، این انجمن تبدیل به یک کمیته منطقه‌ای شامل بیش از ۲۰۰ خانواده، به نام کمیته قربانیان مخاصمه شد. رئیس آن، کریشنا چادهاری، یک معلم باوقار سی و یک ساله مدرسه که خودکاری در جیب پیراهنش دارد.

در نوامبر ۲۰۰۱، پدر چادهاری که او هم یک معلم بود با دوچرخه‌اش از کار به خانه بازمی‌گشت، هنگامی که نیروهای مسلح او را در جاده دستگیر کردند و دوچرخه‌اش را به داخل گودالی انداختند. ده روز بعد آنها خود کریشنا را نیز صبح، در منزلش بازداشت کردند. او پدرش را در سربازخانه دید و توانست پول اندکی در حدود ۱۵۰ روپیه به او بدهد. پس از چند روز کریشنا با اخطار و شرطی مبنی بر ماندن در خانه آزاد شد. او بعد از آن دیگر خبری از پدرش دریافت نکرد، و (مانند بسیاری دیگر) تهدید به سکوت شد. «این ترس چنان رایج بود که اگر سگ‌ها هم پارس می‌کردند ما می‌ترسیدیم.»

خانه کریشنا چادهاری در منطقه باردیا، در روستای بایدی است که تا نپال گونج یک ساعت با ماشین راه دارد؛ در مسیری که پر است از دوچرخه‌ها، گاوهای ولگرد، کامیون‌های رنگ و وارنگ، ماشین‌های سازمان ملل، و عابرینی که برای محافظت از آفتاب سوزان چتر به دست دارند. زمین‌های کنار جاده صاف و سبزند؛ در آنها شالی‌های برنج، ذرت و جو کاشته شده‌اند که توسط گاوهای گل‌آلود درو شده‌اند. مسیری فرعی از جاده اصلی از کنار مجموعه‌ای از گلدان‌های گلی پخته‌شده می‌گذرد که بزرگتر از قفسه‌های غذا نیستند.

تلاش‌های جستجو و ثبت‌نام اسرا یک موفقیت نسبی در نپال بود، جایی که غیرنظامیان در میان شورش ده ساله میان یاغیان مانویست و نیروهای دولتی گرفتاده بودند. بسیاری از روستاییانی که مشکوک به حمایت از دشمن بودند توسط هر یک از طرف‌ها دستگیر یا بازداشت شده و صدها نفر مفقود گشتند. ژان پاول کوربوز، هماهنگ‌کننده امور حمایتی در کاتماندو می‌گوید: «ما از حدود ۶۷۰۰ بازداشت‌شده در جریان مخاصمه بازدید کردیم که بیشتر آنها نجات یافتند.»

یکی از این اشخاص خوش شانس جاناک پاندی، دانشجوی پرتاقت بیست و چهار ساله مدیریت کسب و کار بود که در نپال گونج شهر اصلی منطقه بانکه در مناطق جنوبی برای زندگی می‌کرد. او می‌گوید که در جریان جنگ دو بار بازداشت شده‌است. اولین بار توسط مانویست‌ها که او را یک روز نگه داشتند. یک سال بعد در ۲۰۰۱، او توسط پلیس بازداشت شد. آنها او را به مدت شش ماه در بازداشت نگاه داشتند که در این مدت خانواده او هیچ اطلاعی از موقعیت او نداشتند. وی در نهایت به زندان منتقل شد، جایی که نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اولین بار او را حدود یک سال پس از بازداشتش ملاقات کردند. «آنها شماره‌ای به من اختصاص دادند و من فکر می‌کردم که الان دیگر احتمال آن که مفقود شوم وجود ندارد. و حتی اگر این اتفاق بیفتد، یکی به دنبال من خواهد گشت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای من مانند یک خدا بود، آنها جان من را نجات دادند.»



حرفی بزند برمی گردند و همه خانواده اش را می کشند. با شوکی که به او وارد شده بود، بدنش تولید شیر را متوقف کرد و نوزادش از گرسنگی تلف شد. او اکنون در یکی از کلبه خرابه های اطراف روستا به همراه مادر و تک فرزندی که برایش باقی مانده زندگی می کند. او می گوید: «اگر این سرنوشت من است بذار باشد.» اشک های خود را از چشمانش پاک می کن. «دست کم من مقداری کمک مالی می خواهم تا بتوانم دخترم را بزرگ کنم.»

در یک کشور فقیر، این افراد فقیرترین فقرا هستند. این منطقه ای است که در آن بندگی قراردادی تنها در این اواخر غیرقانونی شده است. مدارس دولتی مجانی هستند اما هنوز خانواده ها باید هزینه های کتاب و لوازم التحریر را که حدود سه دلار در ماه می شود خود بپردازند که برای خانواده ها بسیار گران است. تقریباً در همه موارد این نان آور خانواده است که ناپدید شده، و با این وجود که زن ها آماده کار کردن در زمین هستند به اندازه کافی کار برای آنها وجود ندارد. اصلی ترین مشغله آنها در حال حاضر بقایای انسانی یا عدالت نیست، بلکه صرفاً پول برای سیر کردن کودکانشان است. تا الان، آنها حتی یک روپیه هم به عنوان غرامت از دولت دریافت نکرده اند.

گله ای بز روبروی خانه چادھاری بسته شده اند؛ مکعبی به نسبت لوکس که به جای گل از سیمان خاکستری ساخته شده است. آنجاست که قریب به ده ها نفر، اغلب خانم، با بهترین لباس های خود، ساری هایی با رنگ روشن و مزین به منجوق ها و سنگ های پلاستیکی، از روستاهایشان سفر کرده اند. آنها جمع شده اند تا داستان های خود را برای چندمین بار تعریف کنند، با این امید که هر بار تغییری ایجاد شود.

داستان هایشان آنقدر تکراری است که تقریباً دارند اثر خود را از دست می دهند. نیمه شب بود. کامیونی ایستاد، آنها نام شوهر مرا صدا زدند. ارتش بارها به خانه مان آمده بود؛ شورشیان هم همینطور. بسیاری از زنان التماس می کردند که آنها را نیز همراه شوهرانشان ببرند. بعضی می گفتند که او را به جای شوهرش بکشند تا کودکانشان گرسنه نمانند.

سایبیتا نیالی، خانم جوان جذابی از طبقه «دست نیافتنی» می گوید که تماشا می کرده که گروهی از مردان همسر او را گرفتند و با چشمان بسته و دستان باز او را به چوبی بستند و آنقدر کتکش زدند که وقتی او را به داخل جنگل می بردند به سختی می توانست راه برود. آن مردان، زن جوان را تهدید کردند که اگر



## حقوق بین‌المللی بشردوستانه

حقوق بین‌المللی بشردوستانه مفاد متعددی را دربردارد که ناپدید شدن اجباری را ممنوع می‌کند. این مفاد شامل موارد ذیل هستند:

- خانواده‌ها حق دارند از سرنوشت بستگان مفقود شده خود مطلع شوند.
- طرفین مخاصمه باید به دنبال اشخاصی که به عنوان مفقود گزارش شده‌اند بگردند و درخواست‌های خانواده‌ها را در این خصوص تسهیل کنند.
- فهرست‌هایی که محل دقیق و نشانه‌های گورها را مشخص می‌کند، باید به همراه ویژگی‌های منحصر بفرد اشخاصی که در آنها دفن شده‌اند ارائه گردند.
- طرفین مخاصمات مسلحانه باید اطلاعات مربوط به زخمیان، بیماران، کشتی‌شکستگان، اسرای جنگی، دیگر اشخاص محروم از آزادی که مورد حمایت هستند و متوفیان را در اسرع وقت و بدون تبعیض ارائه کنند.
- مبارزان دستگیر شده و غیرنظامیانی که تحت اختیاریک طرف متخاصم هستند مستحق احترام برای جان، کرامت، حقوق شخصی و عقایدشان هستند. آنها باید در برابر هرگونه عمل خشونت‌آمیز و تلافی جویانه تحت حمایت قرار گیرند. آنها حق دارند تا با خانواده‌های خود مکاتبه کنند و کمک دریافت کنند.

در این حین، در کاتماندو، کارکنان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مکرراً با رابطان دولتی خود دیدار داشته و آنها را به تصویب یا تن دادن به قوانین و معاهدات، از جمله پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، منشور روم دیوان کیفری بین‌المللی، و کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری تشویق می‌کند. آنها توصیه‌هایی را مبنی بر این که نپال چگونه می‌تواند قوانین داخلی خود را تقویت کند ارائه می‌دهند. آنها تلاش می‌کنند تا مقامات و نیروهای امنیتی را از حقوق بین‌المللی بشردوستانه مطلع نمایند. بازرس مانوچ کومار از دایره حقوق بشر پلیس نپال می‌گوید که یک مشکل در جریان مخاصمه این بود که «تا حدودی نسبت به حقوق بین‌المللی بشردوستانه ناآگاهی وجود داشت.» کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جلسات آموزشی منظمی را پیرامون حقوق بین‌المللی بشردوستانه برای افسران در ارتش برگزار می‌کند.

آنها صبر می‌کنند. احساس می‌کنند که انگار هیچ چیزی اتفاق نمی‌افتد.

آنها اسمشان را در فهرست قرار می‌دهند، به طور منظم به دفاتر سازمان‌های ملی و بین‌المللی سر می‌زنند. ژانویه گذشته، کمیسر ارشد لوئیس آربور از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، از همین خانه بازدید کرد و قول داد که درد آنها را به اطلاع عموم برساند. در ماه مه، اعضای انجمن خانوادگی CVC بیست ساعت با اتوبوس به کاتماندو سفر کردند تا یک کنفرانس خبری را برگزار کنند که چندین مدافع حقوق بشری در آن حاضر شدند، اما اندک افرادی از خبرگزاری‌ها آمدند و از دولت هیچ‌کس حاضر نشد.

در کاتماندو، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اذعان دارد که هر پیشرفتی درباره مفقودین قدم به قدم و با مذاکرات غیرعلنی به وجود می‌آید. ژان پاول کوربوز می‌گوید: «این موضوعی است که به آرامی تحول یافته و برای سال‌ها دوام می‌یابد.»

در منطقه بردیا، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مجموعه برنامه‌های رادیویی را به زبان اقلیت تارو زبان تهیه کرده است. نمایش‌های هفت دقیقه‌ای شرایط زندگی واقعی را که با ناپدید شدن ارتباط دارند به تصویر می‌کشند. این برنامه‌ها، مفاهیم حقوقی و اجتماعی را نشان می‌دهند و بر اهمیت به ثبت رسیدن آنها توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأکید دارند. خبرنگار اکراج چادهاری (نسبتی با کریشما ندارد) این مجموعه را تهیه کرده است. او می‌گوید: «این منطقه شدیداً در حین جنگ تحت تأثیر قرار داشته، چرا که ایستگاه‌های اف ام زمان بسیار کمی از پخش خود را به زبان تارو اختصاص می‌دهند. در حین مخاصمه مردم تارو آگاه نبودند. آنها اطلاعی درباره ثبت مفقودین خود نداشتند تا اینکه زمان برای این کار خیلی دیر شد.» کریشنا چادهاری قبول دارد که مردم اطلاعی نداشتند. «در آن زمان، ما نمی‌دانستیم که نهادهایی وجود دارند که می‌توانند در این خصوص به ما کمک کنند.»

«بسیاری از زنان التماس می‌کردند که آنها را نیز همراه شوهرانشان ببرند. بعضی می‌خواستند که خودشان به جای شوهرانشان کشته شوند تا کودکانشان گرسنه نمانند.»

## اهمیت عدالت

در بسیاری از کشورها، بعضی از افرادی که پس از مبارزات قدرت را در دست دارند همان‌هایی هستند که خشونت‌ها را مرتکب شده‌اند (یا اجازه ارتکاب آنها را داده‌اند)، و منافعشان به خطر می‌افتد. این موضوع موقعیت را برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و دیگر سازمان‌ها حساس می‌کند.

ماه مه گذشته در نپال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ میزبان یک میزگرد سه روزه درباره حقوق بین‌المللی بشردوستانه و مسئله مفقودین بود که مقامات دولتی، جامعه مدنی و نمایندگان مجلس به طور مجزا در آن حضور پیدا کردند. در روز اول، هنگامی که موضوع مفقودین آغاز شد جو تند شد. هنگامی که کارکنان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ ادعا کردند که کماکان بیش از ۹۰۰ نفر سرنوشت نامشخصی دارند، تعدادی از مقامات این رقم را زیر سؤال بردند. آنها به موارد تقلب اشاره کردند و این که هزاران نپالی کشور را همراه به قصد کار در خارج از کشور ترک می‌کنند. چطور می‌توان اثبات کرد که همه این افراد ناپدید شده‌اند؟

ماری ورنتر، رئیس نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در نپال پاسخ داد: «انکار کردن این مسئله به کشور شما کمکی نمی‌کند. بلکه در مقابل قبول آن، برای مقامات جایگاه اخلاقی ایجاد می‌کند تا پاسخی به خانواده‌ها بدهند.»

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مدافع آن است که مقامات نپالی کمیسیون با رسالت بلندمدت برای مفقودین تأسیس کنند تا سرنوشت اشخاصی را که ناپدید شده‌اند تعیین کند، و به نیازهای مادی، حقوقی و روانی خانواده‌ها رسیدگی نماید. به منظور جلوگیری از رسیدن به بن‌بست در طولانی مدت، کمیسیون نباید در هیچ اقدام سیاسی یا روند قضایی مداخله کند. کوربوز می‌گوید: «اگر موضوع سیاسی شود خانواده‌ها هرگز پاسخی نخواهند گرفت.»

به دلیل رسالت و تجربه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، این کمیته به دغدغه‌های صرفاً بشردوستانه می‌پردازد. موضوع عدالت توسط سازمان‌هایی همچون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد بهتر مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت، که البته این کمیساریا هم به سختی در حال ریزنی برای تشکیل یک کمیسیون مفقودین در نپال است. همکاری نزدیک با دادگاه عالی، تمرکز سازمان ملل، «پایان دادن به فرار از مجازات»، با هدف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تفاوت دارد. ساندرایا بییداس توضیح می‌دهد: «ما این کار را از منظر حقوق بشر انجام می‌دهیم، نه تنها برای تعیین موقعیت تلاش می‌کنیم، بلکه در صدد ایجاد مسئولیت‌پذیری و بازگرداندن به میهن نیز هستیم.»

این اولویت از طرف کمیته بین‌المللی حقوقدانان نیز شنیده می‌شود. سوزان اپل یارد، مسئول برنامه‌های منطقه آسیا و اقیانوسیه، در یک کنفرانس خبری برای خانواده‌های مفقودین در کاتماندو صحبت کرد. او اصرار داشت تمامی محاکمه‌ها (حتی برای پرسنل نظامی) باید در دادگاه‌های غیرنظامی برگزار شوند. او به مثالی از سریلانکا اشاره کرد. «در اواخر دهه ۱۹۸۰ دوازده هزار مورد ناپیدی وجود داشت، و این موارد توسط کمیسیون که در اواسط دهه ۱۹۹۰ در سریلانکا تأسیس شد مستند شدند. با این حال، دو چیز اتفاق نیفتاد: محاکمه‌های بسیار کمی وجود داشتند، و ناپیدی اجباری یک جرم تلقی نشده بود. اکنون ناپیدی در سریلانکا دوباره پدیدار شده‌است. نمی‌خواهیم بازگشت این اتفاق را در نپال شاهد باشیم.»

«پشت ساختمان،  
یک گورستان تقریباً خالی  
آماده پر شدن است.»

## هدف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

هدف، بالابردن آگاهی در میان مقامات دولتی، نظامی، عموم مردم، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های ملی (شامل نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر) درباره مصیبت افرادی است که در جریان مخاصمات مسلحانه یا خشونت‌های داخلی ناپدید می‌شوند و اندوهی که این خانواده‌ها تجربه می‌کنند.

بی‌خبری از سرنوشت بستگان، واقعیتی ناگوار برای خانواده‌های بیشماری در سراسر جهان است. والدین، خواهران و برادران، همسران و کودکان ناامیدانه در جستجوی بستگان گم‌کرده خود هستند. خانواده‌ها و جوامع، بدون اطلاع از آن که عزیزانشان زنده هستند یا فوت کرده‌اند، نمی‌توانند رویدادهای خشونت‌باری را که زندگی‌شان را برهم زده پشت سر گذارند. اضطراب آنها سال‌ها پس از پایان جنگ ادامه می‌یابد. آنها نمی‌توانند، چه به عنوان یک فرد و چه به عنوان جامعه، مجدداً احیاء شده و به آشتی برسند. چنین زخم‌های کهنه‌ای می‌تواند به بافت جامعه لطمه زده و روابط میان گروه‌ها و ملت‌ها را بعضاً دهه‌ها پس از خاتمه رویداد اصلی تخریب کند.



دسته‌جمعی را آغاز نمود. حتی در اسپانیا، هفتاد سال پس از جنگ داخلی، محل‌های دفن نشانه‌گذاری نشده ده‌ها هزار نفر آغاز به تفحص گردید.

در گرجستان، بلا تکلیفی کماکان ادامه دارد. بر فراز یک تپه شلوغ که بر تفلیس اشراف دارد موزه‌ای با ساختمانی از سه اتاق ساده برای مفقودین ایستاده است. در ورودی علامتی می‌گوید «مولودینی» که به گرجی یعنی «انتظار». در داخل، دیوارها با تصاویر سیاه و سفید مردان جوان پوشیده شده‌اند در حالی که متعلقات گوناگون (دستکش‌های بوکس، کفش‌های سیاه باله، دیپلم‌های افتخار) بر روی میزی به نمایش گذاشته شده‌اند. در پس ساختمان، یک گورستان تقریباً خالی در انتظار پر شدن است و آنجا که سنگ قبرها باید قرار گیرند چمن‌ها بلند شده‌اند. در کنار آن، کلیسای نیم ساخته‌ای با ستون‌های بتنی و شاخه‌های فولادی زنگ زده‌اش قرار دارد. این سازه، که ساخت آن با نیت ارج نهادن به مفقودین آغاز شد ده سالی است که به علت کمبود بودجه متوقف شده که خود استعاره‌ای درخور از اوضاع فعلی در این کشور است.

سازمان‌های بین‌المللی نقش مهمی در این فرایند ایفا می‌کنند، اما همگی اتفاق نظر دارند که اگر بنا است زخم‌های جامعه التیام یابند مقامات ملی باید هدایتگر غایی راهی برای آشتی باشند. بناتریس مگواند روگو، رئیس نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سارایوو در زمان جنگ در یوگوسلاوی سابق تجربه دست اولی از آن مخاصمه داشت. او می‌گوید: «ورق در بوسنی برنگشته است. اجساد بسیاری تعیین هویت شده‌اند، اما این به آن معنی نیست که تعهدی واقعی از طرف مطلعان برای آغاز یک فرایند حقیقت یابی و آشتی وجود داشته است. به همین دلیل است که ما این مهم را به مکانیزم‌هایی که مقامات در آنها دخیل هستند اختصاص داده‌ایم. آنها باید این موضوع را به عنوان مشکل خودشان نیز ببینند.»

شمار افراد متأثر می‌تواند متغیر باشد. در بوسنی، ۱۳،۰۰۰ نفر کماکان مفقود هستند، اما این رقم باید ده یا حتی بیست برابر شود تا بستگان دور و دیگر اعضای خانواده که فراموش کردن و پست سر گذاشتن این موضوع برایشان دشوار است را نیز در نظر آورد.

و هنوز نیازهای خانواده به ندرت اولویت داده می‌شوند، که یعنی ازکارافتادگی کلی می‌تواند دهه‌ها به طول انجامد. ممکن است تغییر، نیازمند یک تحول اداری کلی یا یک خواسته برگرفته از انگیزه‌ای واقعی باشد تا وجهه کشوری را جلا دهد. در قبرس، چهل سال به طول انجامید تا در نهایت یک تیم از دانشمندان پزشکی قانونی متشکل از هر دو قومیت تفحص گورهای

«نیمی از گروه در آن محل برای مردگان  
شمع روشن کردند  
و نیمی دیگر به محل زندگان رفتند.»



است؛ تفنگی بر روی یک شانه، و سیگاری آویزان میان انگشتانش. تنها شش ماه پس از یادگیری مهارت‌های ابتدایی نظامی، در سال ۱۹۹۲ سوار بر قطاری به سمت آبخازیا شد و دیگر هرگز از او خبری نشد. شوهر سولا بریدز یک سال تمام همه منطقه را زیر پا گذاشت تا پسرش را پیدا کند؛ حتی بر تخت پسرش در سربازخانه خوابید و پی هر شایعه‌ای را گرفت. مادر داغدارش می‌گوید: «باید حقیقت را بدانم. حتی اگر برایم خیلی تلخ باشد، باید پایانی بر درد و رنجم شود.»

همسایه او، نینا کورتیاشویلی هم فرزند خود را آخرین بار روزی که به جنگ می‌رفت دید. او به یاد می‌آورد که عده‌ای بعداً به خانه‌شان آمدند و تابوتی را به همراه داشتند که ادعا می‌کردند حاوی بقایای پسرش است. آنها درخواست پول کردند و به او نیز توصیه کردند که در تابوت را باز نکند چرا که صورت پسرک به شدت صدمه دیده است. او تابوت را باز کرد و تابوت خالی بود. او می‌گوید: «هنوز فکر می‌کنم او زنده است. هر بار که صدای در را می‌شنوم مطمئنم خود اوست.»

در این حین، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مقامات هر دو طرف را ترغیب به گفتگو با یکدیگر می‌کند، و کار میدانی را مهیای تحول احتمالی می‌سازد. این کمیته، جمع‌آوری اطلاعات پیش از مرگ مانند سوابق دندان‌شناسی، البسه و اقلام شخصی را از خانواده‌ها تأمین مالی می‌کند تا بتوان آنها را با اطلاعات پس از مرگ جهت تعیین هویت در هنگام نیش قبر اجساد مقایسه کرد.

در زمان تصدی شوالا دراودی، مشاور منطقه‌ای پزشکی قانونی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، این سازمان کارگاه‌هایی را جهت آموزش متخصصان بومی پزشکی قانونی برای بررسی، بازیابی و تحلیل بقایای انسانی برگزار کرد. او می‌گوید: «کارشناسانی اینجا هستند مانند همه کشورهای جهان که تجربه رسیدگی به شمار زیاد بقایای اسکلتی را ندارند. آموزشی که ما ارائه می‌کنیم به آنها تجربه گسترده‌تری را می‌دهد که بتوانند تخصص خود را در زمینه مفقودین بکار بندند.»

مخاصمه میان گرجستان و آبخازیا در سال ۱۹۹۲ اوج گرفت و با آتش‌بس در سال ۱۹۹۳ پایان یافت. صلح متشنج است، و مخاصمات به درستی حل و فصل نشده است. امروزه، حدود ۱۸۰۰ گرجی و ۱۳۵ آبخازی مفقود هستند که نیمی از آنها نظامی و نیمی غیرنظامی اند. عملاً تصور می‌شود که همه اجساد در آبخازیا باشند، جایی که مخاصمات واقع شده است (و در حال حاضر مکان دقیق اجساد مشکل اصلی است). هر طرف یک کمیسیون مفقودین دارد اما آنها وابسته به دولت‌هایشان هستند و به ندرت با یکدیگر در ارتباطند. چهارده سال پس از مخاصمه، عملاً این تنها کمیته بین‌المللی صلیب سرخ است که کماکان روی این مسئله کار می‌کند.

هماهنگ‌کننده امور حمایتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سامونل امونل می‌گوید: «نمی‌توانیم بگوییم که اولویت اصلی مقامات است. پیامدش اما آن است که هیچ گفتگویی میان طرف‌ها وجود ندارد، و بدون گفتگو در خصوص محل گورها، حل و فصل پرونده مفقودین ناممکن است.»

در گرجستان بیشتر مفقودین فرزندان هستند نه پدران، و مواجهه با مرگ فرزند دردآورتر است. کتی آپریدونیز، یک گرجی که در دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفلیس کار می‌کند زمانی را به خاطر دارد که بیست خانواده مفقودین را برای دعا همراهی می‌کرده است. «در کلیسای اورتدکس دو جا وجود دارد که شما شمع روشن می‌کنید، بسته به آن که فردی زنده یا مرده است. نیمی از گروه در آن محل برای مردگان شمع روشن کردند و نیمی دیگر به محل زندگان رفتند.»

مسئله به جایی رسیده است که تقریباً اغلب مفقودین احتمالاً فوت شده‌اند. مقامات هر دو طرف خط تقسیم‌کننده اعلام کرده‌اند که هیچ محل بازداشت پنهانی وجود ندارد. آنچه خانواده‌ها اکنون به آن نیاز دارند تأیید و بسته شدن موضوع، حتی به صرف دیدن یک تکه استخوان در تابوت است.

در روستای خاشوری که دو ساعت با ماشین از تفلیس فاصله دارد، خانمی به نام نینو سولاسبریدز قهوه ترک شیرین سرو می‌کند، و سپس عکسی از پسرش را بیرون می‌آورد که در نوزده سالگی به نیروهای ویژه گرجی پیوست. جوانی کوتاه قد با موهای نرم، که با غرور در کنار چند نفر از همقطاران‌ش ژست گرفته

## انجمن‌های خانوادگی

شبکه‌ها یا انجمن‌های خانوادگی گروه‌هایی از خانواده‌ها هستند که گردهم آمده‌اند، چرا که همه در یک درد مشترک هستند: مفقودی بستگان‌شان.

آنها می‌توانند در سطوح مختلف نقش مهمی ایفا کنند:

- ارائه حمایت دو سویه و کمک در رسیدگی به نیازهای روانشناختی و اجتماعی اقتصادی؛
- تأکید بر نقش خانواده‌ها به عنوان فعالان موضوع مفقودین، و نه صرفاً قربانیان؛
- اعمال فشار بر سیاست‌گذاران؛
- اطلاع‌رسانی در این باره و چگونگی تأثیر آن بر خانواده‌ها؛
- تضمین این که مقامات مسئول در خصوص وظایفشان نسبت به مفقودین کوتاهی نمی‌کنند.

## پزشکی قانونی: گامی اساسی در یافتن پاسخ‌ها

لازم است که بقایای انسانی به درستی مورد رسیدگی قرار گیرند تا اطلاعات ارزشمندشان حفظ گردد. در غیر این صورت ممکن است اجساد در محل مناسبی قرار نگرفته و اطلاعات مهم از بین بروند. امروزه، برای هر یک از پرونده‌های مفقودین یک مولفه پزشکی قانونی وجود دارد. با این حال اداره پزشکی قانونی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اداره‌ای جوان است که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شده است. سازمان هیچ کار مستقیمی در رابطه با تفحص انجام نمی‌دهد اما در این خصوص پشتیبانی فنی ارائه می‌کند و به کارشناسان بومی آموزش می‌دهد. گهگاه نیز در هماهنگی روش‌شناسی‌ها کمک می‌کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حال حاضر در حال ایجاد یک پایگاه داده اطلاعات پیش از مرگ و پس از مرگ برای مصارف عمومی است.

در ژنو، هماهنگ‌کننده پزشکی قانونی سازمان، دکتر موریس تیدبال بینز، یک آرژانتینی است که از بنیان‌گذاران تیم پیکرشناسی آرژانتین (EAAF) در دهه ۱۹۸۰ بوده است. او توضیح می‌دهد که چگونه انجمنی از مادر بزرگ‌ها به نام آبولاس دو پلازا دو مایو به پزشکی قانونی کمک کرد تا ابزاری را برای یافتن کودکان مفقودشده در دوران دیکتاتوری نظامی ایجاد کند. «در آرژانتین، هنگامی که پدران و مادران جوان ربوده می‌شدند یا والدین کشته می‌شدند اغلب کودکانشان را برای فرزندخواندگی به ارتش یا حامیان می‌دادند. مادر بزرگ‌ها از خود می‌پرسیدند که «من چطور می‌توانم کودکی را که تا کنون ندیده‌ام شناسایی کنم؟» آنها کشورهای بسیاری را در جستجوی دانشمندان (متخصصان ژنتیک، پیکرشناسان پزشکی قانونی) گشتند.» در ۱۹۸۳، دولت تغییر کرد و آن دانشمندان به آرژانتین دعوت شدند، جایی که اولین دستورالعمل‌های هموژنتیک که نتایج ژنتیکی نمونه‌های خون میان کودکان و والدین مفروضشان را مقایسه می‌کرد را تنظیم کردند.

در این حین، گورهای دسته جمعی به طرز غیرقابل تفکیکی، اغلب با استفاده از بولدوزر که شواهدی که جسدها به همراه داشتند را از بین می‌برد خالی می‌شدند. این گورها دربرگیرنده قربانیان انجمن سری نظامی بودند. خانواده‌ها درخواست بررسی مستقل داشتند و بنابراین هیئتی از بلندپایه‌ترین متخصصان پزشکی قانونی به آرژانتین سفر کرد و گروهی از دانشمندان جوان که تبدیل به

«گودالی بود، استخوان‌ها،  
جمجمه‌ها، تکه‌های لباس،  
سراسر سکوت، و کارکنان پزشکی  
قانونی.»

### سراسر جهان

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در حال حاضر در خصوص مسئله مفقودین در ده‌ها کشور، در تمامی مناطق جهان، از جمله مناطق زیر کار می‌کند:

آفریقا: آنگولا، ساحل عاج، اریتره، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک کنگو، نامیبیا، سومالی، سودان و زیمبابوه.

آسیا و اقیانوسیه: تیمور شرقی، نپال، پاکستان، فیلیپین و سریلانکا.

اروپا: ارمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، قبرس، جمهوری یوگوسلاو سابق مقدونیه، فدراسیون روسیه، گرجستان و صربستان (کوزوو).

آمریکا: آرژانتین، شیلی، کلمبیا، گواتمالا، هائیتی و پرو.

خاورمیانه و شمال آفریقا: ایران، عراق، اردن، کویت و مراکش.



به دستورالعمل‌های صحیح، بسیاری از خانواده‌ها باید صبر بیشتری پیشه کنند. مشاور پزشکی قانونی، شوالا دراودی می‌گوید: «در آرژانتین، در پایان دیکتاتوری نظامی حدود ده هزار نفر مفقود شده بودند. دو هزار نفر مورد تفحص قرار گرفته بودند و ۴۰۰ تن تعیین هویت شده و بازگردانده شدند. تیم پزشکی قانونی آرژانتین پیش‌بینی می‌کند که باید ۲۰ سال دیگر در این خصوص کار کند.»

و این مشکل مربوط به مفقودین است (این کار در هر مرحله یک چالش بلند مدت است). آنگونه که مگانود روگو اشاره می‌کند، «آدم باید صبور باشد.» سامونل امونت از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز از دو سال پیش، زمانی که وارد تفلیس شده آموخته است که انتظاراتش را تعدیل کند. «من دریافتم که کار در مورد مفقودین مانند برپایی یک واحد جراحی مجروحین ظرف یک هفته نیست. هر مورد سال‌ها طول می‌کشد، و شما باید در این خصوص نسبت به کاری که خودتان می‌توانید انجام دهید و مقدار تغییری که می‌توانید ایجاد کنید کمی فروتن باشید.»

تیم پیکرشناسی پزشکی قانونی آرژانتین شدند را آموزش داد. تیم پیکرشناسی آرژانتین (EAAF) مسئول اطمینان یافتن از نحوه صحیح تفحص و تعیین هویت در کشور خودشان بودند و به علاوه، تخصص خود را در ۳۰ کشور دیگر در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و اروپا بکار گرفتند.

در بالکان، جایی که بیشترین تلاش‌های منابع فشرده پزشکی قانونی در حال انجام است، تأکید اولیه بر تحقیقات جنایی بود. آنگونه که تیدبال بینز توضیح می‌دهد، خطاهای رویه‌ای به آن دلیل اتفاق افتاد که در آن زمان دادگاه جنایی بین‌المللی بیشتر به «نحوه فوت آنها توجه داشت و نه هویت آنها.» از آن زمان، تعیین هویت اولویت یافت. و بالاخره اجساد متوفیان کرامتی را که در پایان حیاتشان از آنها سلب شده بود بدست می‌آوردند. بناتریس مگانود روگو شرح می‌دهد: «من اخیراً از محلی در سربرنیکا که با خاک پر نشده بود بازدید کردم، و دیدن اسکلت‌ها در وضعیت غیرطبیعی به شکلی که انگار جسد را پرت کرده باشند تأثیر عمیقی بر من گذاشت. من سال‌ها با مفقودین سر و کار داشتم و آن‌وقت آنگونه آنجا بودم؛ گودالی بود، استخوان‌ها، جمجمه‌ها، تکه‌های لباس، سراسر سکوت، و کارکنان پزشکی قانونی. بسیار تأثیرگذار بود.»

واقعیت تلخ آن است که تفحص با دقت فرآیندی آرام و زمان‌بر است. حتی در آمریکای لاتین، با آن همه کارشناس پزشکی قانونی و احترام کلی نسبت



## تعهد فراگیر

ضروری و حیاتی است که مسئله ناپدیدیه‌ها با جدیت رسیدگی شود و از حق خانواده‌ها در آگاهی از سرنوشت و وضعیت عزیزانشان حمایت شود. تا زمانی که تعهد فراگیر وجود دارد می‌توان تغییر ایجاد نمود. هرچند که ممکن است یک نسل به طول انجامد اما حیاتی است که، در همه جا، برای خانواده‌های مفقودین که دست کم مستحق پاسخی هستند ثابت قدم بود.

نینو سولا بریدز در گرجستان، در خصوص سرنوشت مرموز پسرش می‌گوید: «تأیید فوت بهتر از یک فقدان مبهم است. من حاضرم جای خودم را با مادری که قبری برای پسرش دارد عوض کنم.»



Not for Sale

#### مأموریت

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سازمانی بی‌غرض، بی‌طرف و مستقل است که رسالت صرفاً بشردوستانه آن حمایت از جان و کرامت قربانیان درگیری‌های مسلحانه و دیگر شرایط خشونت‌آمیز و امدادسانی به آنهاست. همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تلاش می‌کند با ارتقا و ترویج حقوق بشردوستانه و اصول جهانی انسانی از درد و رنج انسان‌ها جلوگیری کند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در سال ۱۸۶۳ میلادی (۱۲۴۲ ه.ش.) پایه‌گذاری شده، منشأ کنوانسیون‌های ژنو و نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است. این سازمان، هدایت و هماهنگی فعالیت‌های بین‌المللی نهضت در هنگام جنگ و دیگر شرایط خشونت‌آمیز را برعهده دارد.

# مفرد و دین

حق دانستن

Not for Sale



ICRC